

بحث ذیل يك قسمت از جزوه شماره ۲۳ «گفتار ماه» است. «گفتار ماه» مجموعه سخنرانیهای ماهانه جمعی از دانشمندان روشن بین و خوش فکر است که مطالب و معارف اسلامی را بخوبی مورد بحث قرار داده و مبدأ تربیت فکری صحیحی در زمینه مسائل اسلامی میباشد امیدواریم این رشته تحقیقات و سخنرانیها ادامه پیدا کرده و راه مؤثری برای ایجاد تحول فکری مذهبی در جامعه باشد.

این بحث که در پیرامون ثروتهای عمومی میباشد گفتار خواندنی و مفیدی است که متأسفانه فقط بدرج قسمتی از آن موفق میشویم.

مکتب تشیع

از دانشمنده محترم:

جناب آقای غفوری

يسئلو نك عن الانفال انساني ومطالبات فرينجی
قل الانفال لله والرسول وعلوم انسانی
قرآن کریم

« انفال »

با

ثروتهای عمومی

جنگلها - مراتع - معادن - زمینهای بایر....

تفسیر انفال

مفسرین اهل سنت بطور کلی منحصرأً انفال را غنائم معنی کرده‌اند و مورد نزول این آیه را اولین برخورد رسمی بین مسلمین و مشرکین که بقصد ریشه کن کردن مسلمانها بطرف مدینه آمده بودند یعنی جنگ « بدر » میدانند که در آن جنگ، با اینکه عده کفار بیش از سه برابر عده مسلمین بود شکست خوردند و فراری شدند پس از اتمام قضیه راجع بیک قسمت از اموالی که بجا مانده بود نظرهایی وجود داشت یکدسته از جوانها که سهم بیشتری در مبارزه داشتند فکر میکردند که آن قسمت از غنائم نصیب آنها خواهد شد و عده دیگری که حاضر در جبهه بودند ولی در میدان جنگ چندان فعالیتی نکرده بودند و بکارهای جزئی مشغول بودند انتظار داشتند که آنها نیز بهره ای داشته باشند . ولی همگی همچنان منتظر دستور پیغمبر اکرم بودند در همان وقت که این آیه نازل شد، همگی چون ایمان پیغمبر داشتند تسلیم دستور او شدند و میدانستند حالا که خدا فرموده است « **قل الانفال لله وللسول** » پیغمبر فوراً نمیگوید خوب ، حالا شماها بروید پی کارتان اینها همه مال منست . رهبر جمعیت خیلی بزرگتر از این حرفها باید باشد . پیغمبر اکرم هم بتناسب آنها را تقسیم کرد . هم میان عده حاضر، وهم عده ای که در این موفقیت اسلامی سهمی داشتند اگر چه در جبهه نبودند . برای اینکه آن سربازی هم که در گوشه و کنار و مرز کشور انجام وظیفه میکند ، زحماتی را تحمل میکند ، مثلاً فکر نکند آنچه هست آنهایی که در مرکز هستند میان خودشان تقسیم میکنند و بمن چیزی نمیرسد ، بلکه کاملاً دل گرم

باشد همه در راه يك هدف فداکاری کنند مثل ریشه این درختها که اگر مواد غذایی را از زمین میگیرند فکر آن برك بالا بالائی نیز باشند، تشکیلات نیز باید همینطور منظم و عادلانه باشد، نه اینکه اگر چیزی از دست اولیها و متصدیان امور آن هم برای مصلحت روزگار بمصرف دیگران برسد اگر هم بديگران نرسید؛ نرسید خبرش در روزنامهها بمردم میرسد اینهم سهم آنها !!

این يك مورد خاص از انفال بود که در کتب شيعه هم بآن اشاره شده است .

ولی چون از این آیه فهمیده نمیشود که تمام موضوع انفال همین غنائم بوده است ، بنابراین ممکن است انفال موارد دیگری هم داشته باشد و منحصر بهمین يك مورد نباشد، حالا ببینیم آیا واقعاً اینطور است؟ احادیث باین سؤال جواب مثبت میدهد .

در کتب معتبره شيعه از جمله کتب اربعه راجع بآن، احادیثی نقل شده است، و محدثین و فقهاء بزرگوار دوره بدوزه آنها را ضبط کرده بما رسانده اند ما هم بسهم خود آنها را بیان میکنیم تا بسهم خود اداء و وظیفه کرده باشیم و امید است منشأ بیداری و جنبشهای اقتصادی میان مسلمین گردد و لا اقل این بحث مورد مطالعه و دقت بیشتری از طرف اهلس قرار گیرد .

انفال در کتب احادیث

در کتاب وسائل الشيعه که شاید بیشتر یا همه نام آن را شنیده باشید در حدود ۷۳ حدیث درباره انفال بیان میکند ، چهار باب برای آن ترتیب

داده است ، و باب اول آن راجع به تعریف انقال و موارد آن است و عنوان آن این است :

باب أن. الانقال كل ما يصطفيه من الغنيمة ، و كل أرض ملكت بغير قتال ؛ و كل أرض موات ، ورؤس الجبال ؛ و بطون الاودية ، والآجام و صفايا الملوك و قطايعهم غير المغصوبة ؛ و ميراث من لا وارث له ، و ما غنمه المقاتلون بغير اذنه

و در این باب ۳۳ حدیث نقل می‌کند که چون در اینجا يك بحث عمیق فقهی نیست تا تجزیه و تحلیل کامل از آنها بعمل آید و از طرفی بنا با اختصار هم هست از باب نمونه سه حدیث از آنها را که از سه امام نقل شده است در اینجا یاد آور می‌شویم :

سه حدیث از سه امام .

حدیث اول از امام پنجم (ع) است .

ابو بصیر که از راویان مشهور و معتبر است در مجلسی که صحبت از انقال بوده است می‌پرسد انقال چیست ؟ حضرت امام محمد باقر (ع) در جواب می‌فرماید: «منها المعادن ، والآجام ، و كل أرض لأربئها و كل أرض باد أهلها» یعنی از جمله موارد انقال : معدنها ؛ جنگلها هر زمین بی صاحب افتاده و هر مکانی که اهلس منقرض شده یا آنجا را ترك کرده و رفته اند، میباشد .

حدیث دوم از امام ششم (ع)

نظیر این سؤال را یکی دیگر از راویان مشهور بنام داود بن فرقد که از شاگردان امام ششم (ع) بوده اند از ایشان می‌کند و حضرت در

جوابش می‌فرماید:

بطون الاودية - این بیابانهای وسیع ولم یزرع!

ورؤس الجبال - این مراتعی که بالای کوهها است .

والاجام - این جنگلها (مفرد اجام اجمه بروزن قصبه است که جمعش اجمات بروزن قصبات و باصطلاح جمع جمع آن میشود آجام) و در کتابهای لغت آنرا اینطور معنا میکنند. **الشجر الملتف** یعنی درختان بهم پیچیده که همان جنگل باشد .

والمعادن - همین ذخیره‌های زیرزمینی که خدا برای رفع احتیاج مردم و رفاه آنان قرار داده است

وکل ارض لم یوجف علیها بخیل ولا رکاب - زمینهایی که بدون لشکر کشی بدست مسلمین افتاده است .

وکل ارض میته قد جلا اهلها - هر زمین مرده‌ای که اهلش از آنجا بعلمی کوچ کرده و رفته‌اند .

وقطائع الملوک - آنچه ملوک در اختیار خود قرار داده‌اند که تحقیق مفصل در آنها بعهده خود آقایان اهل تحقیق گذاشته میشود .

حدیث سوم از امام هفتم (ع)

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام وقتی شئون امام و پیشوای دینی را می‌شمارند بعد از توضیح مواردی از انفال از جمله می‌فرمایند :

له رؤس الجبال ، و بطون الاودية ، و الاجام ، و کل ارض میته لارب لها (یعنی زمینهای بی صاحب و موات) **وله صفايا الملوک** آنچه شاهان مخصوص خود قرار داده‌اند **هما کان بایدر بهم من غیر وجه**

الغصب در صورتی که بزور از مردم گرفته نشده باشد اما **المغصوبه** **کلمها مردوده** - و اما آنچه مال دیگران است و غصب شده است بصاحبش برمی‌گردد (و البته معلوم است ملک غصبی با سند سازی و اعمال زور و استتهاد ملک دیگری نمیشود). **وهو وارث من لا وارث له یعول من لاحیلة له...**

این عوائد را امام میخواهد چگونه بگیرد؟ البته برای صرف در مصارف اسلامی، و خیر و رفاه عموم با و سپرده میشود چنانکه در حدیث اضافه شده است «یعول من لاحیلة له» یعنی امام چاره جوی در ماندگان است.

این یاد آوریها برای این بود که وقتی میگویند انقال، یکدفعه تنها غنیمت جنگ در نظرها مجسم نشود. و آن وقت یکی هم بحال اعتراض بگوید آقا سوره انقال هر بوط بآن وقتها بوده است!!! بلکه بطوریکه فهمیدیم این موضوع و موارد آن همیشه هست - حالاهم ملاحظه کنید غالب مسائل اقتصادی بلکه سیاسی روی همین معدنها و جنگلها و مراتع و تقسیم اراضی و رفع بیکاری مردم دور میزند و اسلام هم برای اینها نقشه‌ای کشیده است اگر راه عملی آن را نیک دریا بیم و لمعها نیز اجازه دهد که کارها سروسامانی پیدا کند آن وقت میتوان به بهبودی وضع مسلمین و نجات از این عقب ماندگیها امیدوار بود.

موارد انقال در ایران

یکی از آن موارد همانطور که در احادیث خوانده شد: **جنگل** هاست. و فعلا این مجلس اقتضا ندارد تمام مطالبی که راجع بآنها تهیه شده است گفته شود فقط بهمین اندازه که تذکری باشد این سؤال

در مردم ایجاد شود که : این ثروتهای خدا داد بچه مصارفی باید برسد و فعلاً با آن چه معامله میشود؟ بطور اختصار مطالبی یاد آور می‌شود .

امادر جواب این سؤال که آیا مادر این مملکت جنگل داریم؟ باید گفت آری .

۱- حدود هیجده میلیون و نیم الی نوزده میلیون هکتار جنگل داریم ، یعنی تقریباً ۱۱/۵ درصد تمام مساحت کشور . این جنگلها کجا واقع شده اند؟ حدود سه میلیون و نیم-م از آن در شمال ایران قرار دارد که از آستارا تا حدود بجنورد ادامه دارد و از مهمترین جنگلهای ایران هستند بلکه طبق نظریه متخصصین فن از جمله بهترین جنگلهای پهن برگ این طرف زمین محسوب میشوند و درختانی صنعتی زیادی در آن هست که مابین ۴۰ الی ۶۰ متر مکعب حجم دارد و با در نظر گرفتن ارزش آنها معلوم میشود این جنگلها چه منبع مهمی هستند از نظر اعتبار مملکت .

۲- ده میلیون هکتار هم از آذربایجان غربی همینطور ادامه دارد تا بیاید شیراز و حدود کرمان که شامل درختان بلوط و درختان صنعتی دیگر و درختان متفرقه است که البته بانو هی جنگل های شمال نیست .

۳- تقریباً یک میلیون و سیصد هزار هکتار جنگلهای سرو کوهی حدود خراسان- هزار مسجد - گرگان .

۴- تقریباً دو میلیون و شصت هزار هکتار جنگلهائی از درخت پسته

در مرز ایران و افغانستان و شوروی است که این مقدارش داخل ایران است کسه هم در افغانستان و هم در شوروی ادامه دارد که سال گذشته مطابق آماریکه یکی از رؤسای سازمان جنگلبانی در اختیار من گذاشت، یکصد و چهل و هفت خروار از پسته خوراکی آنجا که به پسته خواجه معروف است در بازار از طریق مزایده فروش رفت .

والبتّه پسته‌های دیگری هم هست که وحشی است و احتیاج به پیوند و تربیت دارد .

۵- همچنانکه در کرمان نیز ۵۰۰ هزار هکتار از همین جنگلهای پسته و بادام وحشی وجود دارد و اخیراً گویا یکعده پیمانی منعقد کرده‌اند که آنها را پیوند زده و قابل استفاده کنند. افسوس ما از اینست که چرا جلوترها بعضی از طبقات توجهی باین قبیل امور نکرده و بایی اعتنائی از آن صرف نظر کرده بودند و تنها این مورد هم نبود که از آن غفلت شده بود بلکه زمینهای بسیار مناسب دیگری نیز در دست بود که در اثر بی خبری و مسامحه بدست غیر اهل افتاد و ما باین روزها گرفتار شدیم .

۶- حدود یک میلیون هکتار نیز جنگلهای گرم سیری است و یک قسمت هم در کویر هست که بیشتر درختچه هستند و برای جلو گیری از هجوم شتهای بیابان وسیله خوبی هستند سابقاً استفاده از این منابع مهم ثروت غالباً منحصر بگرفتن زغال و هیزم و چوبهای ساختمانی بود و چون از روی روید صحیحی هم عمل نمیشد خرابی زیادی داشت و گاهی آتش سوزیهای شدید روی میداد . و همچنین بعضی از آنها علاوه

برای آنها چرا گاه دائمی دام‌ها نیز بود و مرتباً و بخرابی میرفت .

و حالاً هم که قانونی برای آن ترتیب داده اند چون اولاً طبق تشخیص اهل فن آن قوانین خالی از نقص‌های اساسی نیست و از آن طرف همان قانون ناقص هم خوب اجرا نمیشود . لذا هنوز هم این ثروت در معرض تاراج و ره‌بنا بودی است و آنها که واردند میدانند که فعلاً نیز چه تخلفاتی انجام میشود و چگونه و با چه سرعتی جنگلها رو بخرابی میرود و امید است که قانونی که طرح کنندگان و تصویب کنندگان آن بی نظر و بصیر و آزاد باشند تهیه و اجرا شود . نه کسانی که خود در آن ذینفع هستند و فقط مصلحت فردیرامی بینند یا تحت تأثیر دیگرانند تا همه افراد کشور برآستی این ثروت را از خود بدانند و در حفظ و ازدیاد آن کوشش کنند و این در صورتی است که مردم عملاً به بینند همانطور که ادعا میشود این جنگلها سرمایه ملی و عمومی است ، نه راه دخل سرشاری برای یک‌عده مخصوص . . .

این ثروت و نظائر آن مال این مملکت است . مال نسل حاضر هم بتمنهائی نیست که همه بروند و ریشه‌های آنرا مرتباً در بیاورند و آنرا نابود کنند یا یک‌عده بعنوان مالک خصوصی یا مدعی مالکیت مقدار زیادی از آنرا مثلاً ماهی صد تومان اجاره بدهند تا یک‌دسته دیگر با کمال بیرحمی بروند و درخت‌های حساسی و قابل استفاده را بسوزانند و زغال کنند و در عرض چندسال تبدیل بزمین خشک و خالی شود (چنانکه در بعضی نواحی معمول است) .

جنگل در تعدیل آب و هوا و ازدیاد باران و جلوگیری از خرابی

سیلها و بادهای اثر دارد، قطرات باران را پخش میکند آب‌های بجای اینکه زمین‌ها را شسته و جاری شوند کم کم بزمین فرو میروند و این امر در تأمین و تعدیل آب‌چشمه‌ها و رودخانه‌ها مؤثر است و فواید دیگری هم دارد. فقط برای سوزاندن و گرم‌شدن یا تیر و تخته ساختن نیست.

فعلاً بعایدات این جنگلها: بلیست مالکین خصوصی عمده این جنگلها و مدعیان مالکیت آنها بسند سازیها راجع بآنها کاری نداریم اینها از شأن این جلسه نیست و در مورد خودش و در وقت مناسب‌تر بکه پیش آید باید بوسیله آنهایی که بهتر احاطه و اطلاع دارند بررسی شود و اشخاصی که باین امور خوب آشنائی دارند باید حقایقی را در دسترس مردم قرار دهند. آن وقتی که مردم بحقوق خود آشنا شدند امید است بسیاری از مسائل روشن شود.

باری فعلاً این قسمت از ثروت مملکت توسط سازمانی بنام جنگلبانی اداره میشود. اساس این سازمان چهل و چند سال پیش (تقریباً سال ۱۲۹۷ شمسی) توسط يك نفره جارسنانی که تبعه ایران شده بود (بنام شریکر) و يك عده چهار نفری بنیان‌گزارش در این عده مدتی کار کردند و پس از چندی يك متخصص آلمانی برای مدت سه سال استخدام شد و باره نفر کارمند متصدی امور جنگل‌های شمال شدند بعد هم يك نفر فرانسوی را آوردند و مدتی برقرار بود تا در سال ۱۳۱۳ بواسطه تحریکاتی که انجام گرفت و يك عده از مدعیان مالکیت جنگلها وجود آن را مانع منافع خود دیدند در نتیجه بودجه آن را از اداره فلاحات آن روز حذف کردند؛ و بعد بصورت‌های دیگری تشکیل شد.

در حدود سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ سر وسامانی پیدا کرد و در اثر کوشش بعضی از علاقمندان نسبتاً استقلالی یافته ، اداره‌ای بنام جنگل بانی تشکیل شد .

از سال ۱۳۲۸ قدری توسعه یافت و البته دولتهای وقت بتناسب طرز فکرشان ویا عوامل دیگر کارهایی میکردند .

و البته قانون و آئین نامه‌ای هم در سالهای ۱۳۲۱ و ۲۲ و ۲۳ برای آن نوشته شد ولی قسمت هائی از آن منافع خصوصی بعضی را که خود از مصوبین آن بودند بیشتر از مصلحت عمومی تأمین میکرد و امید است برای رفع نواقص آن اقدامات صحیحی بشود .

فعلا این سازمان تقریباً دارای ۲۷۰۰ نفر عضو است که در تمام استانها هستند و حدود بیست و يك میلیون تومان (در سال گذشته) عایدات داشته است ولی بطوری که از یکی از رؤسای آن سازمان راجع بمخارج آن سؤال کردم در همان سال بیست و نه میلیون تومان خرج شده است . بنا بر این مثلا سال گذشته ۸ میلیون تومان کسر داشته است .

من برای کسب بعضی از این اطلاعات نامه‌ای بوزارت کشاورزی نوشتم که بیکی از آقایان با سابقه و مطلع سازمان جنگلبانی ارجاع شد و نسبتاً از ایشان ممنونم که قسمتی از این اطلاعات را در اختیارم گذاشتند ، این يك مطالب مختصری بود راجع بجنگل‌های ایران . حالا این جنگلها چه عایداتی دارند و بچه راهها مصرف میشود و چه کسانی بهره‌های بازحمت یابی زحمت از آن بر میدارند و چوب

آنها بچه ممالکی صادر میشود و بسیاری مطالب دیگر هر کس علاقمند است باید خودش در صدد تحقیق باشد و فعلاً مجال آن نیست ولی مردم انتظار کسانی که مصدر این کارها هستند مواظب باشند تا خیانتی به اموال این مملکت نشود و خود متصدیان اصلی نیز بدانند که عاقبت خیانت رسوائی است و هیچ لذتی بهتر از آن نیست که انسان اگر قدرتی پیدا کرد آنها را برای اصلاح امور اجتماعی در راه خیر عموم صرف کند و اثر نیکی از خود بگذارد. اما . . . اگر عاطفه انسانیت و شرافتی در بین باشد یاد مقابل مردمی باشند که بخائنین اجازه خیانت و مساهحه در کارهای عمومی راندهند.

مراتع

علاوه بر جنگلها، مراتع سرسبز و خرمنی در این کشور وجود دارد که میتواند منبع عواید مهمی باشد و مساحت آنها بیش از مساحت جنگلها است که اگر کارها بدست اهالش سپرده شود معلوم خواهد شد همین مراتع که هیچ بنظر نمیرسد؛ چدسهم مؤثری در وضع اقتصادی این کشور دارند.

معادن

یکی دیگر از منابع ثروت و موارد انفال همانطور که فهمیدیم و در کتب احادیث و فقه و تفسیر اشاره شده است معادن میباشد. حالامی خواهیم بدانیم که از این منبع ثروت در مملکت ما چه اندازه وجود دارد. و انقلابگوشمان بخورد که خدا از این بابت بما چه رحمت کرده است البته فقط بشنویم، زیرا که چندان مرد عمل نیستیم! ولی مسلماً دانستنش بد نیست!

در این کشور بعد از تجزیه‌هایی که تابحال (از هر طرف) بعمل آمده است فعلا ۷۸۱ معدن کشف شده وجود دارد که در حال حاضر از ۶۷۴ تای آن استفاده میشود در میان این معادن از خاک سرخ و نمک گرفته تا معدن طلا (بر نگرهای مختلف) (زرد و سفید و سیاه) وجود دارد حالا خواهید گفت آقامگر خاک سرخ هم يك چیزی است که میگوئید؟ آری یکنوع خاک سرخی که سال گذشته هزارهاتن آن بفرانسه و انگلستان و هندوستان صادر شده است و از مهمترین خالص‌های دنیاست . (در جزیره هرمز و ۶ معدن مهم دیگر) .

فهرستی از معادن عمده کشور

معدن آهن ۱۹ تا دارد که تنها از دو تای آنها که توسط دولت استخراج میشود در سال ۱۳۳۹ حدود سی هزار تن سنگ آهن استخراج کردند همان آهنی که من و شما سوزنش را هم باید از خارج وارد کنیم و بخریم .

معدن مس - ۳۱ معدن که عیار مس خالص آن نسبت بمعادن مشابه قابل توجه است ؛ من میل ندارم بایک سلسله آمار و اعداد ذهن شمارا خسته کنم فقط خاطرهای در ذهن‌ها بماند تا ببینیم . البته اینگونه حرفها بيك دفعه شنیدن هم شاید بیرزد و لی همانطور که شما اموال خصوصی خود را باید بدانید چقدر است و چه میشود در مردم باید این حس پیدا شود که بامور اجتماعی نیز علاقمند شوند و اجتماعی فکر کنند .

معدن سرب - ۱۷۳ معدن که یکی از بزرگترین رقم صادرات این کشور را همین سنگ سرب تشکیل میدهد (البته از نظر صنایع و معادن)

حالا دیگران از این سنگ‌های معدنی و مواد اولیه دیگر این کشور چه استفاده‌هایی میکنند آنها را بچه صورت‌هایی در آورده و برمیگردانند بصد برابر یا بیشتر یا کمتر بمن و شما می‌فروشند، فعلا کار نداریم چون قرار شد مطالب فقط بصورت یک درس گفته شود.

معدن زغال سنگ - ۸۵ معدن داریم که محصول یکی از همین معدن‌ها که در «زیراب» است و آنها که مازندران رفته‌اند آنرا دیده‌اند در سال ۱۳۳۹ پیش از ۶۰ هزار تن در سال بوده است.

معدن طلا - در آذربایجان و استان ششم یعنی حدود گلبایگان ۵ معدن و همچنین در اطراف زنجان معدن طلای سفید هست.

فیروزه - در حدود نیشابور و همچنین اطراف طبس از دو معدن بهره برداری میشود که محصول آنها طبق نظریه اهل فن از بهترین نوع فیروزه‌های دنیا است و سالیانه بطور متوسط ۶ هزار کیلو از آن استخراج می‌شود و قسمت اعظمش (بصورت تراشیده و نتراشیده) صادر می‌شود.

گوگرد - ۱۸ معدن از آن داریم و ذخیره آنها بیش از ۱۲ میلیون تن تخمین شده است.

یک وقتی می‌خواندم که در آمریکا معادن گوگردی هست که در ۳۰۰ متری عمق زمین قرار دارد برای استخراج آن لا بلای خاکها با وسائلی که دارند آب جوش وارد کرده آن زیر آنها را خمیر می‌کنند بعد تلمبه بسیار قوی می‌گذارند که آنها را بالا آورد سپس آنرا تبخیر کرده گوگردش را می‌گیرند ولی در ایران حدود فارس تپه بزرگی از گوگرد که خیلی بخلوص نزدیک است همینطور بالای زمین قرار

گرفته است و استخراج آن بسیار کم زحمت است و البته اهل فن و اطلاع خیلی بهتر میدانند.

باز در يك مقاله ای میخواندم در آمریکای جنوبی معادن مسی هست که عیار مس خالص آن خیلی کم و حتی تقریباً صدی يك است ولی میروند و آنرا استخراج می کنند.

اما در ایران عیار سنگ مس گاهی به صدی ۳۲ هم میرسد البته از صدی سه و بالاتر هست ولی با استخراج تا صدی شش آن هم ممکن است چندان توجیهی نشود.

در مرز بین آلمان و فرانسه دو ناحیه بنام آلزاس و لورن وجود دارد که سالها بین آن دو مملکت برسر آن نواحی جنگ و اختلاف وجود داشت (بیشتر برای معادن آهن که در آنجا وجود دارد) ولی عیار آهن آن نواحی که استخراج می شود حد اکثر صدی ۱۵ است و حال آنکه در ایران غالباً صدی چهل کمتر نیست و گاهی به صدی چهل و پنج و صدی شصت و تا هفتاد هم میرسد.

حالا که از طلای سبز یعنی جنگلهای و طلای سفید و زرد صحبت شد خوبست چند کلمه‌ای هم راجع به ط-لای سیاه یعنی (ن، ف، ت) و معادن نفت صحبت شود. البته از نظر عطا‌های الهی باین مملکت و تا آنجا که مربوط باین درس است بنا براین فعلاً خیال هاراحت باشد و مشغول کارهای خود باشند تا وقتش برسد و این مردم بیدار و متحد شوند و رشد کافی پیدا شود (البته در اکثریت).

معادن نفت - باری ۴۴۵ چاه نفت در این مملکت زده شده است

که به نفت رسیده‌اند و فعلا از ۱۰۹ تریلیون آن بهره برداری می‌شود و بقیه همینطور هست تا به بینیم قسمت کیست؟ و چگونه باید اداره شود و چه تاثیراتی در وضع این مملکت می‌کند.

مطابق آماري که وزارت صنایع و معادن و دیگر متصدیان مر بوطه داده‌اند (وقلم دست خودشان است) از نفت جنوب فقط در هر روز يك ميليون و پنجاه هزار بشکه نفت خام بیرون می‌آید و همینطور جاری می‌شود. هر بشکه ۱۵۸ لیتر و کسری است یعنی روزانه در حدود ۱۶۰ میلیون لیتر. در روز چقدر؟ ۱۶۰ میلیون لیتر. گفتن و شنیدنش که عیب ندارد؟ تنها از چاه آغا جاری روزی ۶۶۹ هزار بشکه نفت بیرون می‌آید از همین چاه‌های نفت قم روزانه حدود ۷۵ هزار بشکه نفت بیرون می‌آید مقصود این است که بپرسیم آیا این مملکت فقیر است؟ چیزی ندارد؟ هم‌اکنون باید دستش دراز باشد؟

حالا عواید شیلات این ماهی‌های بی‌حساب دریاها - عروايد بندرها از بابت ورود و خروج کشتی‌ها خالصجات و قطایع که بآن اشاره شد؛ رودخانه‌ها - اراضی کنار دریاها. و نظائر آنها بماند که هر يك بحث مستقلی لازم دارند آیا ایران از این ردیف عائدات ندارد اگر دارد آیا در راه خدا و صلاح عمومی صرف می‌شود؟ و آقایان اگر علاقمند باشند باید خودشان بروند دنبال تحقیق اینها ..

آیا این مردم حق ندارند بپرسند با اینهمه جنگل که در این مملکت است و صدها ماده قابل استفاده که از چوب پنبه و واکس

گرفته تا کاغذ و چیزهای دیگر از آن درست میشود چطور شده است که ما يك کارخانه کاغذ سازی نداریم؟ کاغذ چیزی است که همه مردم از طفل دبستان گرفته تا طبقات دیگر از هر صنف که باشند بآن احتیاج دارند اینهمه کاغذ که در این مملکت مصرف می شود همه اش باید از جای دیگر بیاید مگر مواد اولیه اینها چیست .

سیمان در اینجا درست میشود ولی باید کاغذ برای پاکت آن از فنلاند و جاهای دیگر بیاید .

سال گذشته پروانه قطع صد هزار متر مکعب چوب درختان بلوط و گردو صادر شد و حدود صد هزار متر مکعب چوب های باد اندخته از جنگل ها بیرون رفته است (حالا مصارف روستائی و غیره بماند) همین خاک اره هارا اگر جمع آوری کنند ، هم چند کارخانه راه می افتد و هم برای زمین های جنگل و رشد درختان دیگر مفیدتر است حالا چه کسی باید این قبیل اقدامات را بکند؟ یکمشت مردم با اطلاع دل سوز، خیر خواه . نه اینکه تا يك دستگاہ دولتی یا غیر دولتی خواست این کار را بکند و زحماتی هم برای تأسیس آن متحمل شود فوراً یکمشت متنفذ و مدعی بی جهت یا يك عده مأمور بیایند بگویند آقا اول حق مالکانه این خورده چوبهارا بدهید و بالاخره با این ترتیب هیچ اقدامی پیشرفت نکند بهر حال باید از این منافع ثروت بمنظور رفع احتیاج این کشور از دیگران ؛ استفاده کرد ، نه همه اش اجناس و مواد اولیه و خام اینجا را بار کردن و بخارج بردن و یکمشت اجناس دیگر را از آنجا وارد کرد . حالا چه چیزهایی خارج شود و چه چیزهایی وارد شود

هر چه می‌خواهد باشد ! !

راستی بد نیست بدانید که علت توجه باینکه برای جنگل‌های ایران سازمانی لازم است این شد که وقتی آمار گمرگ‌گی صادرات چوب در سال ۱۳۹۷ شمسی که رقم نسبتاً بزرگی بود جلب نظر بعضی از اعضاء دولت را کرد بفکر این افتادند که باید آنرا تحت کنترل گرفت و از این راه در آمدی به عائدات دولت افزود و ضمناً جنگلها را نیز مواظبت و احیاء کرد !!

ولی هنوز این قدر از این ثروت خدا داد، از بین رفته است و مرتباً هم در حال از بین رفتن هست که خود شرح جدا گانه ای لازم دارد ، مثلاً سالیانه حدود ۵۰۰ هزار تن زغال از جنگلها حمل می‌شود و البته هر تن زغال تقریباً ده برابر هیزم لازم دارد و سالهاست که همینطور از این جنگلها بهمین صورت استفاده میشود حالا کارهای قاچاق و غیره بماند که راستی اگر مردی ، مرد خیر خواهی و مؤثری در این دستگاہ پیدا شود و باین امور توجه کند و شہامت هم داشته باشد ، می‌تواند خدمات قابل ملاحظه ای انجام دهد . البته اگر مطابق معمول در بعضی کشورها ایجاد مانع برای او نکنند و او را بعنوانین مختلف از کار نیندازند .

انسان خجالت می‌کشد بگوید در این مملکت ۲۲ کارخانه مشروب سازی (مشروبات الکلی) دائر است ولی يك کارخانه کاغذ سازی نیست البته غیر از آنچه از خارج وارد می‌کنند برای اینکه بعضی باید همه چیزشان از پنیر گرفته تا گل‌های عروسی و حتی آرایشگر و خیاطشان

هم باید از خارج بیاید .

مطابق تخمینی که شده است ذخیره معادن آهن کشف شده این کشور در حدود ۵۰ میلیون تن است و حدود ۳۰۰ میلیون تن ذخیره معادن زغال سنگ ایران می باشد این دو چیز مواد اولیه کارخانه ذوب آهن اند ولی مرتباً برای تأسیس آن امروز و فردا می شود . علاوه بر این چند مورد که بعنوان نمونه ذکر شده معادن دیگر نیز هست که فعلاً مجال تفصیل آنها نیست ضرر ندارد بدانیم که غالب ممالک اسلامی نیز از نظر معدن بحمدالله غنی هستند چنان که کویت بعد از آمریکا و روسیه و و نروژ از بهترین کشورهای نفت خیز است و محصول آن روزانه حدود یک میلیون و دویست هزار بشکه است و پس از آن عربستان سعودی است که در مرحله پنجم است و پیش از یک میلیون و صد هزار بشکه محصول نفت آن است در مرحله ششم نیز ایران است بعد از آن نفت عراق که حدود ۹۵۰ هزار بشکه در روز است ؛ همچنین اندونزی که یک کشور اسلامی است و پس از این کشورها و کانادا محصول نفتش از سایر ممالک بیشتر است (۱)



(۱) برای مزید استفاده به جلد دوم «گفتار ماه» بحث انفال رجوع

فرمائید .